

www.shariaty.com

www.mozaffarshariaty.com

پایگاه علمی ، ادبی و فرهنگی مظفر شریعتی



Table001

متأسفانه اغلب این قبیل افراد اساساً اهل مطالعه در هیچ زمینه ای بویژه در زمینه هایی که با قاطعیت هم در باره ی آنها اظهار نظر میکنند نیستند . البته گاهی هم افرادی اهل مطالعه ی زیاد نیز هستند اما مطالعات آنها فقط در چهار چوب ویژه ی مورد نظر خود قرار دارد . در حالیکه یک محقق و اهل مطالعه باید بسیار بیشتر از آنچه در باره ی باور ها و مطالب مورد تایید خود مطلب میخواند ، در مخالفت با آنها مطلب خوانده باشد . کاری که اهل علم همگی انجام میدهند و اساساً کار اهل تحقیق در شاخه های علمی جستجوی دلایل درست نبودن نظریات علمی است و یک محقق علمی با ذره بین به دنبال این میگردد که ببیند کجا و چه کسی سخن جدیدی و شک جدیدی در باره ی یک نظریه ی علمی مطرح کرده است .

کار علم پاسخ دادن به چگونگی رخ دادن پدیده هاست و چرایی آن با علم نیست . دانش فیزیک به ما میگوید که جهان چگونه کار میکند . اینکه چرا ساخته شده ؟ چه کسی آن را ساخته ؟ چرا ساخته و یا چرایی ساختن آن درکش مطابق منطق و میل ما نیست و در حیطه ی دانش فیزیک ، دست کم فیزیکی که ما امروزه میشناسیم قرار ندارد .

بخش هایی از متن زیر

[دریافت نسخه ی pdf این نوشته](#)

گفتگوی زیر در ارتباط با ویدئوی "[ذرات بنیادی و بوزون هیگرس](#) و نظریات کیهان شناسی" بین من و یک بیننده ی عزیز این ویدئو رد و بدل شد که چون بسیاری مانند این بیننده ی گرامی می اندیشند ، و یا تصور میکنند من آنگونه می اندیشم که آنها ممکن است در تصور خود به این نتیجه رسیده باشند ، خالی از فایده ندیدم تا آنها را در این نوشته متمرکز کنم . بدیهی است در صورتیکه در

آینده پرسش های دیگری نیز مطرح شوند که نیاز به پاسخ داشته باشند از همین صفحه برای پاسخ به آنها استفاده خواهد شد .

" به این بیننده ی گرامی که ابتدا بسیار خشمگین بود اما کم کم آرامش خودش را به دست آورد و منطقی تر با موضوع برخورد کرد و در نهایت هم ، پی نوشتش را از زیر ویدئو حذف کرد ، توصیه کردم که حتما ویدئوی **ضمیمه ی کوانتوم** مرا هم کامل و تا انتها ببیند و البته از او خواستم آنچه را بشنود که من میگویم و نه آنچه را از قبل تصمیم گرفته تا فکر کند که من میگویم . زیرا متأسفانه ما انسانها بسیار عجول هستیم و معمولا با چند ثانیه شنیدن از یک ویدئوی 75 دقیقه ای و یا با دیدن قیافه ی گوینده ، فوراً تصمیم خود را با توجه به پیش فرض های ذهنی خود گرفته و احساس میکنیم که با قاطعیت متوجه شده ایم که او چه میگوید و چرا میگوید !

پی نوشت اول آن بیننده :

.....!!... ذراتی که به خودی خود بی هدف و بی شعورند چگونه می توانند در کنار هم قرار بگیرند و این جهان با نظم را تشکیل بدنند؟ آگه وارد بحث مذهبی نمیشی پس جمع کن این اراجیف علمی را که هیچگونه جنبه عقلانی ندارند .



پاسخ اول من :

برایتان آرامشی آرزو میکنم که بتوانید به سخنها گوش فرا دهید ، آنگونه که بیان میشوند و نه آنگونه که دوست دارید آنها را بشنوید . - برایتان فرصتی آرزو میکنم که بتوانید کمی هم با اراجیف علمی آشنا شوید همان اراجیفی که کامپیوتر و اینترنتی را فراهم آوردند که اکنون از آن استفاده میکنید . و در نهایت برایتان کمی هم ادب در کلام آرزو میکنم که خشم تنها نتیجه ی عدم توانایی به پاسخ دادن میباشد.

پی نوشت دوم آن بیننده :

حرف ما کوانتوم و جرم و ماده نیست بحث ما درباره چگونگی پیدایش عالم از ماده کوانتوم و هر چیز دیگر است که این مواد بدون عقل و هدف هستند و نمی توانند میلیونها شاخه از جانداران و اجرام آسمانی را بوجود بیاورند و هدایت کنند. این سخن مانند این است که انسان ماشینی را بسازد و آن ماشین بدون داشتن یک راننده خودبخود بسوی یک مقصد خاص حرکت کند .

پاسخ دوم من :

وقتی به شما میگویم که سخنان مرا نشنیده اید بلکه چیزهایی شنیده اید که خودتان دوست داشتید تصور کنید که من گفته ام به همین دلیل است . بیننده ی نازنین و عجول من . من کی و کجا در باره ی این مسائلی که شما میگویید صحبت کرده ام ؟ و یا نظری داده ام ؟ ! در کجای این ویدئو و یا ویدئو های دیگر من ، کوچکترین سخن و نظری در مواردی که شما میگویید بیان کرده ام ؟ ! در مورد خلقت جهان و خالق آن ، من تنها در پایان حدود 18 ساعت آموزش نجوم و کیهان شناسی به ناچار اشاره ای به پرسش همیشگی بشر در مورد خالق جهان کردم و آن را تنها در چهار چوب دانش فیزیک مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفتم که این پرسش یک پرسش علمی و در حیطه ی علم نمیباشد بلکه پرسشی فلسفی و مذهبی است که در چهارچوب بحث ها و ویدئو های من قرار ندارد ([ویدئوی خدا از دیدگاه دانش امروز](#) مرا ببینید) و در توضیح نظریات کیهان شناسی هم متذکر شدم که برخی نظریات چنین میگویند که خالق هوشمند عامل این خلقت بوده است و گروهی دیگر میگویند حاصل تصادف است ، به دلیل بینهایت امکان رویداد . این نظریات را هم در کتابهای درسی فیزیک و نجوم در همه ی دانشگاهها درس میدهند و تا آنها را نخوانید و امتحان ندهید مدرکی به شما نمیدهند . اگر به کتابفروشی های روبروی دانشگاه تهران هم مراجعه کنید کتابهای زیادی در این مورد میتوانید پیدا کنید . شما میتوانید به دلایل و مستندات هر نظریه مراجعه کرده و پیرو هر یک از این نظریات باشید همانطور که دانشمندان بسیاری پیرو هر یک هستند . چنین به نظر میرسد که شما پیرو آن گروه هستید که خالق آگاه را عامل این خلقت میدانند . این انتخاب حق شماس است . اما من کجا در موافقت و یا مخالفت با هر یک سخنی گفته ام که شما آنچنان بر آشفتید که احتمالاً اگر دسترسی فیزیکی به من میداشتید گردنی هم بر سر کچلم باقی نمیگذاشتید ! بیننده ی نازنین ، حرف من در این ویدئو تنها در چهار چوب مبانی دانش فیزیک جدید و نظریه کوانتوم و ماهیت نور و خلاصه مسائل مطرح شده در ویدئوی کوانتوم به زبان ساده بود و هست و بس . حرف من فقط در حیطه ی جرم و ماده و الکترون و فوتون و خلاصه علوم تجربی بوده و هست و در مورد مباحثی که شما مطرح کرده اید هیچگاه نبوده و نیست و نخواهد بود زیرا من فقط و فقط و فقط در چهار چوب علوم تجربی و فیزیک مادی و تجربه پذیر این جهان که قابل اندازه گیری فیزیکی باشد سخن میگویم . نظرات شما و آنچه تصور میکنید که من گفته ام در حالی که نگفته ام ، در حیطه ی فلسفه و مذهب میباشد که من وارد این محدوده نشده و نخواهم شد . اگرچه خود من نیز مانند هر انسانی میتوانم باورهای فلسفی خود را داشته باشم . اما آنها در محدوده ی شخص خودم بوده و هیچگاه آنها را به خواننده و یا شنونده و یا بیننده ی خود تحمیل نکرده و نخواهم کرد و به شدت بر این باور هستم که خواننده خود باید به سخن ها گوش فرا دهد و از بهترین آنها پیروی کند . اگر به مسائل علمی علاقمند هستید و آنها را اراجیف و مهملات نمیدانید ! میتوانید در کتابهای درسی رسمی دبیرستانی و دانشگاهی همین کشور در مورد آنها اطلاعاتی را بدست آورید . بدون خواندن دروس زیست شناسی ، تکامل و ژنتیک به شما مدرکی در هیچیک از شاخه های پزشکی نمیدهند ، و بدون خواندن نیوتون و نسبیت و کوانتوم ، مدرک مهندسی نخواهید گرفت . اگر با این علوم مشکل دارید بهتر است مشکلاتان را با وزارت علوم حل کنید و نه با من . البته شما حق دارید، نظریات کیهان شناسی ، تکامل ، ژنتیک ، نسبیت ، کوانتوم و دیگر اصول علمی پذیرفته شده و در حال تدریس در کلیه ی دبیرستانها و دانشگاههای سرتاسر جهان را نپذیرید . بسیاری چنین هستند . اما واقعیت انکار ناپذیر روزگار ما این است که اگر برای تشخیص هویت فردی به آزمایش DNA استناد میشود و شما و نیز دادگاههای همه ی کشورهای جهان هم این نتایج را میپذیرند ، پس باید بدانید که این آزمایش ها بر مبنای همان چیزهایی پایه ریزی شده اند که شما نمیفهمید شان و یا دوست و باورشان ندارید . (در صورت تمایل نوشته ی [ژنتیک به زبان ساده](#) را بخوانید) در چهار چوب علم ، تکامل به ما میگوید که ما و شامپانزه ها که در ظاهر هم بسیار شبیه به هم هستیم ، در 96 درصد ژنهایمان هم کاملاً مشترک هستیم و مشاهده ی ظاهری جانوران دیگر روی سیاره ی زمین هم به وضوح نشان میدهد که بین همه ی آنها شباهتهایی

تدریجی وجود دارد . همه ی تحقیقات پزشکی ، داروها و آزمایشهایی که هر روز در جهان انجام میشود بر مبنای همین اصول میباشد . بر همین اساس است که داروها را اول بر روی حیوانات آزمایش میکنند زیرا ساختار بدنی شان شبیه ماست . به همین دلیل و به دلیل آنکه مدارک و استناداتی که نظریه ی تکامل بر آن استوار است غیر قابل انکار میباشد . مخالفان این نظریه اینگونه عنوان میکنند که ، بله تکاملی که شما در میان موجودات میبینید درست است اما مشمول ما انسانها نمیشود و آنها بر این باور هستند که داستان آفرینش ما انسانها به گونه ای دیگر رقم خورده است و روزی مشخص خواهد شد که ما انسانها از تبار آنها و در نهایت میمونها نیستیم و داستان خلقتمان چیز دیگری است . نه تنها من که همه ی اهل علم با قاطعیت تمام به آنها خواهند گفت که اگر روزی چنین چیزی اثبات شود ضمن آنکه اثبات کنندگان جایزه ی نوبل خواهند گرفت و نامشان در تاریخ علم جاودان خواهد شد ، همه ی پیروان دانش نیز آن را خواهند پذیرفت . این ویژه گی زیبای علم و رفتار اهل علم است . اما جهان علم تا روزی که چنین کشفی صورت نگیرد ، نمیتواند نظریه ی تکامل را کنار بگذارد حتی اگر دوستش نداشته باشد . شخصا مدرسانی در سطح دانشگاه میشناسم که به واسطه ی شغل خود تکامل را درس میدهند اما جزو همین گروه افرادی هستند که در انتظار کشف مدارکی هستند که ثابت کند در عین حالیکه تکامل برای سایر موجودات درست است اما نژاد ما ارتباطی به داستان تکامل ندارد . و البته قطعاً روزی که چنین امری ثابت شود ، نظریه ی جدید باید بتواند دلیل شباهت ساختاری ما به حیوانات را نیز توضیح دهد . (در صورت تمایل ویدئوی [حیات ، پیدایش و تکامل](#) را ببینید)

در جهان نسبیت و کوانتوم نیز تا روزی که چیزی یافت نشود که نادرستی آنها را اثبات کند ، این نظریات از روی میز دانش برداشته نمیشوند زیرا این نظریات پاسخ دهنده ی همه ی پرسش ها بوده و پیش بینی های آنها تا کنون از هر آزمایشی سربلند بیرون آمده است و چنانچه بارها گفته ام ، در جهان علم یک مورد و تنها یک مورد خطا در میلیاردها نتیجه ی درست میتواند یک نظریه ی علمی را باطل کند چنانچه . ([بخش دوم ویدئوی کیهان شناسی به زبان ساده در مورد کوانتوم](#) و نیز [ضمیمه ی آن را ببینید](#)) در زمینه ی کیهان شناسی نیز دانش فیزیک و کیهان شناسی امروز ، داستان پیدایش جهان را تا لحظه ای بینهایت نزدیک به صفر یافته است ([بخش اول کیهان شناسی به زبان ساده](#) را ببینید) همانگونه که فیلمهای آن از شبکه های تلویزیونی خودمان نیز پخش میشود . چرا که تا کنون هیچ نشانه ای از نادرستی این نظریه (مهبانگ) پیدا نشده است . بنابراین باز هم این در زمینه ی کیهان شناسی نیز تا روزی که مدارکی دال بر نادرستی آن یافت نشود ، این نظریات یا به گفته ی شما اراجیف علمی نیز از کتابهای درسی و دانشگاهی کنار زده نخواهند شد . و باز هم با قاطعیت تمام بدانید که اگر روزی کسی یا کسانی بتوانند خلاف نظریات کیهان شناسی امروز را اثبات کنند جایزه ی نوبل خواهند گرفت و نامشان در جهان علم جاودان خواهد شد . اما باز هم تا آن روز انتظار نداشته باشید که وقتی کسی یک مقاله ، کتاب و یا فیلم در مورد نجوم و کیهان شناسی تهیه میکند یعنی همان کاری که من در راستای آشنایی بیشتر با دانش نجوم و کیهان شناسی انجام میدهم ، اطلاعاتی بر خلاف آن چیزهایی ارائه کند که در منابع رسمی علمی جهان درج شده اند صرفاً به این دلیل که برخی از جمله شما آنها را نخوانده و نیاموخته اراجیف مینامند . و یا برخی خوانده و آموخته اما دوست ندارند که حقیقت داشته باشد .

علاوه بر همه ی اینها من بارها گفته و نوشته ام که مطالبی که من بیان میکنم نیز مصون از خطا نیستند چه به لحاظ ضعف دانش من و چه به لحاظ خطا در بیان و ارائه ی آنها . به همین دلیل نیز نقد آنها بهترین هدیه ی ممکن برای من خواهد بود زیرا من به شدت به دنبال یافتن نقاط ضعف دانش خود و آگاه شدن بر خطاها و اشتباهاتم هستم . در همین نوشته نیز بارها متذکر شدم که در جهان علم دست کسی که خطایی را نشان دهد میبوسند و به او جایزه میدهند . یک استاد با تجربه در یک

همایش علمی در یک دانشگاه معتبر به سخنرانی دانشمند جوانی گوش میداد . در پایان سخنرانی آن دانشمند با سابقه از جای خود بلند شده و به نزدیک آن جوان رفت و او را در آغوش گرفت و در حالیکه اشک میریخت به آن جوان گفت ، شما امروز مرا بر اشتباهی که 15 سال در آن بسر میبردم آگاه کردید . بابت اینکه مرا از اشتباه بیرون آوردید از شما سپاسگزارم . در چنین روش و منشی ، پیروزی به هر حال با علم است چرا که با یافتن خطا ، نظریه اصلاح میشود و علم از رفتن به بیراهه نجات پیدا میکند و یا با اثبات درستی آن ، گامی قطعی به جلو برداشته میشود . در راهی به درازای ابدیت .

استیون هاوکینگ جمله ی معروفی دارد که :

بزرگترین دشمن انسان جهل نیست ، بلکه توهم این است که میداند .

میبینید که دانشمندان هر چه بالاتر و بالاتر میروند ، خاضع تر و خاضع تر میشوند و به نادانی خود بیشتر اعتراف میکنند . در واقع دانشمندان بیشتر از هر کس میداند که چقدر نمیدانند . اما در عین حال نیز تلاش میکنند که بدانند .

. به هر حال خوشحال هستم که سر کچل من انگیزه ای به شما داد برای نوشتن عقیده تان و پاسخ نسبتاً مفصل من هم در این نوشته و هم در ویدئوی " کوانتوم به زبان ساده و تفاوت آن با کوانتوم شبه علم " که مدتی قبل عرضه شد ، به این دلیل است که بسیاری هم چون شما می اندیشند و بدون آنکه بدانند علم چه میگوید و چرا ، فقط به دلیل آنکه درکشان نمیکند و یا با باورهای سنتی شان در تعارض هستند ، حکم بطالت آنها را صادر کرده و میکنند . متأسفانه اغلب این قبیل افراد اساساً اهل مطالعه در هیچ زمینه ای بویژه در زمینه هایی که با قاطعیت هم در باره ی آنها اظهار نظر میکنند نیستند . البته گاهی هم افراد اهل مطالعه ای هستند حتی با کتابخانه هایی چند هزار جلدی ، اما تنها در یک زمینه ی ویژه . در حالیکه یک محقق و اهل مطالعه باید بسیار بیشتر از آنچه در باره ی باور ها و مطالب مورد تایید خود مطلب میخواند ، در مخالفت با آنها مطلب خوانده باشد . کاری که اهل علم همگی انجام میدهند و اساساً کار اهل تحقیق در شاخه های علمی جستجوی دلایل درست نبودن نظریات علمی است و یک محقق علمی با ذره بین به دنبال این میگردد که ببیند کجا و چه کسی سخن جدیدی و شک و تردیدی در باره ی یک نظریه ی علمی مطرح کرده است . شک و تردیدی که میتواند به جایزه ی نوبل هم ختم شود . به هر حال شخصاً افراد زیادی را میشناسم که بعد از آنکه با هزار گرفتاری و به قول ما قدیمی ها از توی قوطی تایید، دیپلمشان را گرفتند، هیچگاه کتابی نخوانده اند . تنها کتابهایی که در خانه ی آنها میتوان دید کتابهای درسی فرزندانشان است و چند مجله ی ورزشی . از تلویزیون و ماهواره هم جز برای فوتبال و سریالهای احمقانه و مبتذل و موسیقی های بشکن و بالا بینداز بهره ای نمیگیرند . این افراد به ناچار تنها با همفکران و هم سلیقه های خود نیز تبادل فرهنگی البته در زمینه های ذکر شده را دارند و بنابراین در یک کلام میتوان گفت که بکلی از قافله ی علم و دانش به دور هستند . از فیزیکی که در مدرسه به زور تقلب یا پارتی نمره قبولی اش را گرفته اند فقط میدانند که یکی به اسم نیوتون که زیر درخت سیبی مشغول چرت زدن بوده ناگهان فهمیده است که چرا سیب می افتد روی زمین و به هوا نمیرود ! دیگری به نام انشتین هم از سر و صدای بمبهای زمان جنگ دوم جهانی قاطی کرده و مهملات و اراجیفی در مورد فضا و زمان و سرعت نور و از این قبیل مسائل گفته است و چند ابله دیگر هم خوابنا شده و اراجیفی در مورد رفتار الکترونها و فوتونها گفته و مهملاتی به نام کوانتوم درست کرده اند ! . فقط همانطور که گفتیم میدانم چرا این دوستان به این نکته ی عجیب

توجه نکرده اند که بدون استفاده از اراجیف نیوتون نمیتوان موشکی را به هوا شلیک کرد و بدون کمک اراجیف انشتین نمیتوان آن را با دقت در نقطه ای نشان داد یا کوبید (رهیاب ماهواره ای یا GPS). و بدون اراجیف کوانتوم هم نمیشد لامپهای LED ، لیزر ، صفحات نمایشگر تخت و لمسی ، چیپ های کامپیوتری با صدها میلیون ترانزیستور در چهار سانتیمتر مربع و هزاران وسیله ی دیگر را ساخت ! جالب است که در مورد مثالی هم که آوردید مشکلی وجود دارد و آن اینکه به خوبی میدانید که انسانها ماشینهایی ساخته اند که خود به خود و بدون راننده به سوی مقصدی معین حرکت میکنند ! پس چرا این قدرت را برای خدایی که باور دارید قائل نیستید؟! اتفاقا نظر دانشمندان خدا باور نیز همین است که این جهان را با این قوانین عجیب و غریبی که شما آنها را اراجیف میخوانید همان خالق جهان خلق کرده است و اینگونه اختیار کرده است که این قوانین ، اینگونه جهاتش را اداره کنند . و البته قطعا میدانید که چالش همیشگی ذهن انسان در مورد علت نخستین و واجب الوجود تا کنون ، علم ، فلسفه و مذهب به یک نقطه ی مشترک رسیده اند با این تفاوت که گروهی علت نخستین را یعنی همان که خود دیگر نمیتواند علتی داشته باشد و وجودش واجب بوده و باید که از ازل بوده و تا ابد نیز باشد و پرسش از چگونگی موجود شدن آن دیگر موردی ندارد را خالق آگاه ، توانا و ... میدانند با نام خدا و گروه دیگری چیزی به نام طبیعت . به هر حال هر دو گروه در این نقطه از توضیح بیشتر ماجرا عاجز مانده اند . برای اطلاع از دیدگاه مذهب در مورد واجب الوجود میتوانید به کتب آموزش معارف دانشگاهی مراجعه کنید . در کیهان شناسی نیز اگر چه هنوز این دانش مدعی آگاهی قطعی از لحظه ی خلقت و حتی نزدیک به آن نشده است اما به هر صورت حتی بهترین نظریات کوانتومی نیز اگر چه تا نزدیکی خلقت جهان نیز پیش رفته اند اما چون هنوز با خود لحظه ی خلقت فاصله ی بسیار زیادی حتی از بعد نظریه پردازی دارند ، نمیتوانند از علت نخستین چیزی بگویند و بنابراین ، ناچار آن را به عنوان یک وجود بی توضیح میپذیرند . در بعد تجربی و آزمایشگاهی تصور امکان تجربه ی لحظه ی خلقت ، برای فیزیک امروز ، حتی در بعد نظری هم غیر ممکن به نظر میرسد . در ویدئوی " ذرات بنیادی " بیان شد که تجربه در جهان ذرات بنیادی و شرایط زمان خلقت جهان به چنان شتابدهنده های عظیمی نیاز دارد که طول آنها با فناوریهای کنونی باید در ابعاد سامانه ی خورشیدی باشد یعنی طولی به اندازه ی محیط گردش آخرین سیاره سامانه ی خورشیدی یعنی پلوتو (پلو تو به دلایلی دیگر سیاره شناخته نمیشود) به دور خورشید . در حالیکه بزرگترین شتابدهنده فعلی پس از بیست سال تلاش دهها کشور صنعتی و با همت چندین هزار دانشمند و متخصص ، یک شتابدهنده ی 27 کیلومتری است .

پی نوشت سوم آن بیننده :

خودت به کدام اعتقاد داری فیزیک یا خالق ؟

من در مورد اعتقادات خودم هیچگاه صحبت نکرده و نمیکنم چون این یعنی تحمیل نظرم به خواننده و بیننده . در حالیکه من میخواهم او خود مختار باشد تا بدون القای هیچ پیش فرضی ، فقط اطلاعاتی بدست آورده ، آنها را با اطلاعاتی از سایر منابع ، مطابقت داده و سرانجام خود از بهترین آنها پیروی کرده و تصمیم بگیرد . اما تصور میکنم از دیدگاه شما ، فیزیک و قوانین آن ، اگر آنها را باور داشته ، وهم و خیال و خلاصه اراجیف ! ندانید ، خلق شده توسط همان خالق هستند که باورش دارید . اما ظاهرا تفاوت من و شما در همین است که شما چون نمیتوانید آنها را درک کنید ، باورشان هم ندارید . اما من حتی اگر درکشان نکنم و یا برایم عجیب و غریب هم باشند ، باورشان دارم چرا که به چشم میبینم که سیب به همان دلیلی از درخت سقوط میکند و موشک به هوا میرود که نیوتون بیان

کرد ، و به همان دلیلی با کمک سامانه ی رهیاب ماهواره ای GPS به هدف میرسد که نسبیت انشتین بیان میکند و چراغهای LED ، لیزر ، صفحات نمایشگر تلویزیون و گوشی موبایل و چیپ های کامپیوتری و هزاران ساخته ی دیگر به این دلیل واقعیت دارند که قوانین کوانتوم درست هستند ، اگر چه به گفته ی ریچارد فاینمن یکی از پدران کوانتوم، درکش برای ذهن ما دشوار است . اما آیا شما با توجه به باورتان به خدا بی که قطعا او را از خود دانا تر و توانا تر میدانید خلق آنها را برای او هم عجیب میدانید؟! در مثال خود شما در مورد آن ماشین نیز همانطور که اشاره کردم قطعا میدانید آن ماشینی که خود به خود و بدون راننده به سوی می رود اکنون ساخته شده است . حتی کنترل وسائل توسط فکر البته با واسطه ی دستگاههایی که امواج مغزی را دریافت میکنند نیز در حال ساخته شدن و بهتر و بهتر شدن میباشند . چند قرن پیش اگر در مورد هر یک از امکاناتی که بشر اکنون به آنها دسترسی دارد سخن میگفتید از جمله از شبیه سازی های انجام شده در موسسه ی رویان تهران که اخبار شبیه سازیهای موفق آن همواره در صدر اخبار رسانه های ایران قرار میگیرد ، قطعا شما را متهم به کفر یا جادوگری میکردند و احتمالا اگر در دسترس افراد کم حوصله و ناشکیبایی چون خودتان قرار میگرفتید چه بسا بی درنگ در آتش سوزانده میشدید ! اما دانش بشر پله به پله همه ی آنها را عملی ساخت . به همین دلیل در نوشته ی "[خدا از دیدگاه انش امروز](#)" چنین نوشتم و آن را در صفحه ی اول وب سایت هم قرار دادم که :

بنابراین اینگونه خدا شناسان ! یا باید بپذیرند که بشر در تنها چند هزار سال به جایی رسیده است که خدا را در آن جایگاه تصور میکرده اند و این یعنی آنها خدا را به مفهومی که بیان شد یعنی خالق جهان هستی اینقدر کوچک تصور میکرده اند و یا باید بپذیرند که بر خلاف ادعای خود به هیچ روی او را نمیشناخته اند و از آن مهمتر ، اگر خدا را ماورا و بینهایت در هر چیز میدانند باید بپذیرند که هیچ تصویری از یک چنین ماورا و بینهایتی در ذهن محدود آنها با هر سطحی از دانش نمیتواند قرار بگیرد و بینهایت در برابر هر مقداری هر اندازه بزرگ ، همواره بینهایت باقی خواهد ماند چرا که در غیر این صورت قابل دسترس خواهد بود و محدود . در واقع به مجرد اینکه فردی خود را خدا شناس دانست یعنی خود را قادر به درک آن بینهایت و محاط بر آن دانسته است!!!!

بخشی از نوشته ی "[خدا از دیدگاه دانش امروز](#)"

راستش من میدانم و نمیتوانم نیز بدانم که یک انسان در ذهنش خدا باور هست یا نیست و خدایی که باور دارد مشمول چه ویژه گی ها و تعاریفی میباشد . به نظر انسانها در این مورد حتی در ذهن خودشان هم با خودشان مشکل دارند و با خود روراست نیستند . اما تصور میکنم اگر دانشمندی چون ریچارد فاینمن که بخشی از سخنرانی اش را در ویدئو برایتان خواندم و یا دانشمندانی چون هایزنبرگ و شرودینگر که در موردشان در [همان ویدئو سخن](#) گفته شد ، و یا سایر دانشمندان زنده ی فعلی جهان به خدا باور میداشته و یا داشته باشند ، خدای آنان ، خدایی بسیار بزرگتر ، بهتر و منطقی تر از خدای خداباورانی است که آنقدر جسور هستند که قوانین خالق جهان را به دلیل اینکه نمیتوانند بفهمند اراجیف مینامند . یعنی در واقع خود را دانا تر از خالق خود میدانند ! براستی که

خدایی که یک انسان نا آگاه، نادان، ضعیف افتاده در گوشه ای از جهان که در پهنای بیگران گیتی نقطه ای نیز به حساب نمی آید بتواند او را درک کند چه خدایی میتواند باشد؟!

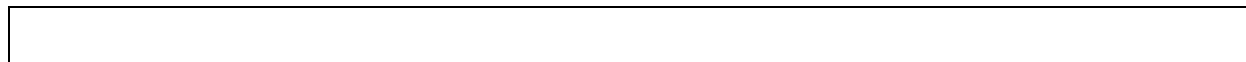
" بزرگی خدای هر کس به اندازه ی بزرگی ذهن اوست ". (موریس مترلینگ)

(و البته لفظ بزرگتر هم به ناچار و از روی کمبود واژه انتخاب شد و ابهامات زیادی در کاربرد آن در این مورد وجود دارد)

البته من به این نکته توجه دارم که پاسخ بسیاری از پرسش های چالش بر انگیزی که از آنها در این نوشته سخن به میان آمد و یا نیامد در باور های مذهبی پاسخ داده شده اند (البته اگر به تاریخ مذاهب مراجعه کنید میبینید که برخی مذاهب اساسا وارد این مقوله ها نشده اند مانند مذاهب چین و ژاپن و یا هندوستان و در سایر مذاهب نیز پاسخ های متفاوتی به این پرسش ها داده شده است) . اما همانطور که بارها بر آن تاکید کرده ام من تنها در چهارچوب علوم تجربی یعنی موارد تجربه شدنی در آزمایشگاه و توسط هر آزمایشگری و در هر نقطه ای از جهان و زمان سخن گفته و مطلبی مینویسم آنهم نه از خودم که از آموخته هایم از کتبی که در مراکز رسمی دانشگاهی تدریس شده و میشوند . و بنابراین به هیچ روی در زمینه ی مسائل مذهبی و پاسخ مذاهب به آنها وارد نشده و نمیشوم . نه به این دلیل که با آنها آشنایی ندارم ، که اگر تعداد کتابهایی که در باره مذهب و تاریخ مذاهب و انسانها خوانده باشم بیشتر از کتابهای علمی مورد علاقه ام نباشد ، کمتر هم نیست . اما مذهب و حکومت در ایران یکپارچه شده اند و چون هر گونه تحقیق ، توضیح ، نوشته ، گفتار ، و خدای ناکرده نقد آنها اقداماتی سیاسی محسوب میشود که باید از مجاری ویژه ای صورت گیرد ، در حیطه ی فعالیت من نمیباشد . بنابراین بر خلاف نظر این دوست نازنین که به من توصیه کردند اگر نمیخواهم وارد مسائل مذهبی بشوم ، بهتر است در باره ی اراجیف علمی صحبت نکنم . من چنین نکرده و نمیکنم و تنها و تنها در حیطه ی مسائل علمی آن هم به استناد آنچه در کتب رسمی دبیرستانی و دانشگاهی همین سرزمین تدریس میشود سخن خواهم گفت . تفسیر و تشخیص اینکه در یک مورد ویژه خواننده یا شنونده پاسخ علم را درست تشخیص دهد یا پاسخ مذهب خود را ، با خود اوست که مسلما در صورت نیاز به کمک میتواند به مراجع مذهبی مورد اطمینان خود نیز مراجعه کند و مسلم است که بشارت خواهد بود بر کسانی که در امور مشورت کرده ، به سخنها گوش فرا داده و از بهترینشان پیروی میکنند .

بنابراین هدف من در ویدئو های علمی و آموزشی تهیه شده ، تنها آشکار کردن فاصله ی عظیم بین علم و شبه علم است و بس . و منظور از علم نیز علوم تجربی است که مهمترین و پایه ای ترین آنها دانش فیزیک میباشد . و به همین دلیل در همه ی نوشته ها و سخن ها خواننده و شنونده را به کتاب زیبای " علم و نابخردی " هدایت کرده و میکنم . بنابراین اجازه بدهید من در همین محدوده فعالیت کرده و وارد مبانی مذهبی و اعتقادی نشوم . قطعا برای پرسش های فلسفی و مذهبی به اندازه ی کافی منابع نوشتاری سنتی و نیز اینترنتی و الکترونیکی امروزی در دسترس همگان قرار دارد . و در نهایت تکرار مجدد اینکه :

Table003



کار علم پاسخ دادن به چگونگی رخ دادن پدیده هاست و چرایی آن با علم نیست . دانش فیزیک به ما میگوید که جهان چگونه کار میکند . اینکه چرا ساخته شده ؟ چه کسی آن را ساخته ؟ چرا ساخته و یا چرا طوری ساخته که درکش مطابق منطق و میل ما نیست و در حیطه ی دانش فیزیک ، دست کم فیزیکی که ما امروزه میشناسیم قرار ندارد .

مظفر شریعتی

امرداد 1396